

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱

جلسه: ۱۳

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی رسول الله و آله الطیبین الطاهرین.

البته بحث را نمی خواستیم این قدر طول بکشد چون این ها را باید هی یواش یواش شواهد را اقامه بکنیم بر بحثی که مربوط بود به متن حدیث و شرائط متن حدیث عرض کردیم دیشب این به مناسبت کلام ابن عدی حالا ما یک مقدار کلام ایشان را توسعه دادیم که گاهی اوقات اشکال اشکال شکلی است به اصطلاح خودمان این ها امروزه شما می فرمایید ویراستاری است مثل همان مثالی که دیشب عرض کردم آن اگر برایش شماره جدا بزنند دوتا حدیث می شود و دیگر آن بحث های که کردند جمعیت جمع دلالی و چنین و چنان دیگر تمام آن حرف ها خود به خود از بین می رود و این هم گذشت.

بعد حدیثی را از کتاب حریر به اصطلاح از کتابی، از حدیث زراره در باب زکات نقل کردیم دیشب البته چون ضبط هم شد من گفتم ابن فضال ابن فضال پسر بعد ایشان خواندند از کتاب کافی و تهذیب خب طبعاً کافی ابن فضال پسر نقل نمی کند کافی اگر نقل بکند ابن فضال پدر پسر خیلی کم خیلی کم و شیخ هم از کتاب کافی گرفته دیگر این برای من شبهه شد که خب چون این قصه را ما روایاتش را بیست سال بیشتر است من نگاه کردم خیلی طولی زمان است، حافظه من دیگر این قدر کشیش ندارد در سن شیخوخت که حالا امروز که نگاه کردم دیدم درست است ابن فضال پسر نقل کرده خودم خوشحال شدم امیدوار شدیم دیدم نه الحمد لله ابن فضال پسر هم نقل کرده آنی که در ذهن من درست بود اما این قسمتش را نقل نکرده که شما هم نخواندید، به خاطر این، حالا می خواهید چون آن روی آن تشکیلات مگر جامع الاحادیث را بیاورید می خواهید از روی خودی،

س: بفرمایید شما حدیث را

ج: خب می خواهی شما جامع الاحادیث صفحه به نظرم ۱۶۸ است این جامع الاحادیث

س: بلی جلد ۹

ج: جلد ۹ باب زکات ایشان روایات همین حال و حول و زکات نقدین دیگر امشب یک کمی این نکته را نه آن جا نیست به نظرم

س: ۱۶۸ فرمودید، مجلد ۹ جامع الاحادیث

ج: یا ۱۸۶

س: زکات

ج: نقدین نیست؟

س: نقدین چرا

ج: بابش چه است؟

س: باب عرض شود زکات الغلات و نصابها

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۲

جلسه: ۱۳

ج: نه نه نه، غلات نه قبل از غلات،

س: آن حدیث وارد شدن در ماه یازدهم

ج: بلی ماه دوازده

س: ماه دوازدهم، سال

۴۲: ۲

می شود

ج: این از این صفحه ۱۴۸، اشتباه کردم ۱۶۸ معلوم می شود باز هم یک اشتباهی خب این حدیث را که الآن این که روایت، این تنها روایت ماست که با ماه دوازدهم می شود حول این حدیث در کتاب کافی آمده از کتاب حریر همان نسخه معروف هم هست، دیگر چون شرح فهرستش را کراراً در خلال ابیات اشاره کردیم عرض کردیم نسخه ای است که مرحوم ابراهیم ابن هاشم به قم آوردند حالا دو احتمال هست یکی این که کتاب حریر مستقیم باشد یکی این که کتاب حماد باشد چون حماد هم طبق کتاب حریر نوشته از او نقل کرده زیادات از خودش دارد و شواهد ما هم مجموعاً چون الآن بحث ما این جهت نیست دلالت می کند بر این که کلینی گاهی از کتاب از حریر نقل می کند گاهی هم از خود کتاب حریر نقل می کند شواهد این طور است مجموع شواهد به هر حال اصل روایت کتاب حریر است آن وقت در این جا سؤال است حالا فقط سؤالاتش را بخوانید قال قلت فقط سؤال در حد سؤال حریر عن ابی عبدالله علیه السلام

س: بلی جلد ۹ جامع الاحادیث صفحه ۱۴۸

ج: این چاپ ۳۱ جلدی چون چاپ های متعدد دارد این چاپ سی و یک جلدی

س: صفحه ۱۴۸

ج: صفحه صد

س: باب زکات نقدین حدیث ۹

ج: بابی؟

س: زکات نقدین

ج: می دانم،

س: باب عدم وجوب لزکات النقدین الا بعد مضي الحول بعد

ج: باب ۶ باب ۶

س: باب ۶ بلی

ج: بلی

س: فرمودند که تهذیب و محمد ابن یعقوب

ج: پس این جا مرحوم شیخ طوسی مستقیم از کلینی گرفتند،

س: کلینی گرفتند بلی،

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۳

جلسه: ۱۳

ج: کتاب ایشان کتاب کلینی است و بفرمایید و کلینی هم همین را دارد،

س: محمد ابن یعقوب عن علی ابن ابراهیم

ج: عن ابیه

س: عن ابیه عن حماد ابن عیسی عن حریر

ج: واضح است تاریخش هم واضح است حدیث واضحی است

س: بلی عن زراره

ج: در این حدیث فقط اسم زراره هست اسم محمد ابن مسلم نیست توی احتمالاً بعضی از نسخ محمد ابن مسلم هم بوده حالا

احتمال ما می دهیم بفرمایید

س: قال قلت لابی جعفر علیه السلام

ج: خب از همین نکته این جاست همین جاها را فقط قلت لابی جعفر این جا کلامی است که ایشان به ابی جعفر گفته

س: زراره

ج: بلی بفرمایید

س: رجل

س: عرض کردم به لحاظ تاریخ تدوین حدیث هم خوبی احادیث ما تا یک مقدار زیادش تقریباً من موفق شدم چیزی نزدیک

هفتاد تا هشتاد درصد را تاریخ چیز بکنیم یعنی ثبت تاریخ بندی اش بکنیم ثبت تاریخش بکنیم حدیث در مدینه شفاهاً ظاهراً از

امام باقر است مرحوم زراره آن را در کوفه ظاهراً شفاهاً به شاگردش حریر گفته حریر نوشته یعنی تاریخ حدیث هم واضح است

دو طبقه اش و نسخه هم توسط ابراهیم ابن هاشم که در کوفه بوده آمده به قم، این نسخه به قم آمده پس حدیث کلینی قمی است

مرحوم علی ابن ابراهیم قمی است ابراهیم ابن هاشم در قم بوده لیکن ساکن کوفه بوده در کوفه کتاب حماد ابن عیسی که ایشان

هم کوفی است و حریر هم کوفی است از زراره که ایشان در کوفه بوده مدینه خیلی، یعنی تاریخ حدیث هم خیلی واضح است

هیچ ابهام تاریخی ندارد کی کتبی بوده؟ کی شفاهی بوده؟ البته مال زراره احتمال دارد کتبی باشد زراره عرض کردم این را چندبار

توضیحاتش را دادم این بحثهای فهرستی ما مراد همین است احتمال دارد مال زراره کتبی باشد چون یک روایت واحده داریم فتح

الواحه لیکتب، که زراره الواح خودش را باز کرد که بنویسد اما در بقیه احادیث نداریم احتمال دارد کتبی اما شواهد خوب دقت

بفرمایید، حاکی است که الآن ما شاهدی که ایشان این نوشتار را به شاگردها دادند باشد نداریم ولذا توی اجازات هم وارد نشده

شاهده، یک کتابی در قضاء و قدر، یک البته بعض کتابهای دیگر هم به ایشان، آنها ظاهراً اشتباه باشد به هر حال بحث خاصی

دارد، به هر حال این جا از به لحاظ شواهد موجود دو طبقه اش یعنی کلام امام باقر سلام الله علیه شفاهی بوده زراره هم شفاهی بوده

حریر نوشته یا بعد حماد نوشته یا همان نسخه را داده به ابراهیم ابن هاشم که به قم آورده و عرض کردیم این نسخه ابراهیم ابن

هاشم به قم جزو نسخ بسیار معتبر کتاب است که بعدها در اجازات اصحاب همین نسخه بیشتر مطرح است خب این هم راجع

به تاریخ حدیث بفرمایید قال قلت لابی جعفر

س: لابی جعفر علیه السلام رجال کان عنده

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۴

جلسه: ۱۳

ج: حالا این بحث‌های فقهی و حدیثی چون طول می‌کشد وقتی سؤال تمام شد قال بخوانید

س: بلی

ج: فقال

س: امام علیه‌السلام قال لا حتی

ج: یحول این بعدش من فقط قال قلت‌هاش را می‌خواهیم کلام را بعدش

س: بعد جواب قال فقال نعم و ان لم یمض علیها جمیعاً الحول فلا شیء علیه فیها

ج: خب بعدش

س: قال و قال زراره و محمد ابن مسلم

ج: از این جا دو نفر می‌شود

س: بلی قال ابو عبدالله علیه‌السلام

ج: یعنی زراره عن ابی جعفر بود زراره و محمد ابن مسلم عن ابی عبدالله می‌شد عرض کردم محمد ابن مسلم هم اضافه می‌شود

س: از این جا اضافه می‌شود

ج: از این جا اضافه می‌شود

س: بلی

ج: این کتاب حریر است حریر دارد نقل می‌کند بفرمایید

س: ایما رجل کان له مال

ج: این مال ابو عبدالله خب این کلام ابو عبدالله بعد دو مرتبه بعدش که سؤال را بخوانیم بر می‌گردیم

س:

۳۲: ۸

قلت له فان کان، فان وهبه قبل حله بشهر او بیوم قال لیس علیه شیء ابدأ

ج: این قلت له این مشکل دارد الآن

س: قلت له

ج: که این قلت یعنی حریر قلت له، لیکن اگر حریر بود می‌گفت قلت لهما چون زراره و محمد ابن مسلم است

س: بلی ظاهرش این است که محمد ابن مسلم از امام صادق مثلاً می‌گوید قلت محمد ابن مسلم می‌گوید به امام صادق

ج: خب باید دوتا باشد قلنا له

س: قال لیس علیه شیء ابدأ قال و قال زراره عنه علیه‌السلام

ج: قال حریر این قال باید قال حریر باشد

س: بلی

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۵

جلسه: ۱۳

ج: ما عرض کردیم دیشب یک مشکل ویراستاری، شبی این نسخه شناسی در روایت حریز این مشکل را دارد، یعنی این نمونه‌اش این‌جا الآن واضح شد برایتان،

س: احتمال دارد چهار پنج تا روایت باشد

ج: نه غیر از او حالا در کتاب زکات حریز است یک بحث کلی اصلاً کتاب زکاتی حریز داشته یا نه؟ چون در ذهنم این طور است نجاشی به ایشان کتاب زکات نسبت نداده شیخ نسبت داده اما نجاشی می‌گوید کتاب النوادر، احتمالاً زکات تو نوادرش بوده، چون شیخ کتاب زکات اما توی حالا باز بیاورید چون من اعتماد به حافظه دارم می‌کنم حریز ابن عبدالله سجستانی را بیاورید در نجاشی، در معجم آقای خویی مرحوم نجاشی صلات را بهش نسبت داده، اما زکات را تو ذهنم می‌آید بهش نسبت نداده، حج را هم نسبت، با این‌که من روایت حجش را جمع کردم روایت حریز را در حج، صد و سی و پنج تا، یا صد و سی و چهار تا روایت را جمع کردیم، دیدیم یکی از دوستان جمع کردند آوردند دارم اصلاً یک رساله‌اش را همه را روایت حجش را اخراج کردیم خیلی خوب دقت کردید، قال زرارہ عنہ ببینید می‌خواهم روی این اگر ویراستاری‌ها دقیق بود الآن برای ما خیلی راحت بود آنی که مشکل متن این‌جا درست کرده، نقد متن

۲۷: ۱۰

متن قال زاره عنہ علیہ السلام این‌جا باز برگشت به زرارہ به تنهایی

س: بلی

ج: عن ابی عبدالله

س: بلی قال زرارہ عن

ج: قال نہ ببینید دارد قال

س: قال و قال الزرارہ

ج: ببینید قال یعنی قال حریز

س: بلی شیخ دارد حریز ابن عبدالله له کتب منها کتاب الصلاۃ

ج: و زکات

س: و کتاب الزکات، کتاب الصوم کتاب الحج که هیچ کدام نگفته

ج: خب نجاشی می‌گوید کتاب النوادر

س: نوادر بلی

س: نہ زکات

ج: زکات را گفت شیخ گفت من عرض کردم شیخ دارد زکات را

س: له کتاب الصلاۃ کبیر و آخر الطف منه و له کتاب نوادر

ج: نجاشی زکات را اسم نبرده در صورتی که در زکات داریم روایت حریز موجود است بالفعل یا توی نوادرش بوده یا همانی که شیخ گفته مستقلاً کتاب بوده

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۶

جلسه: ۱۳

س: شیخ نوادر را در کتاب زکات جدا ذکر کرده

ج: بلی می دانم اما این خیلی عجیب است نجاشی هم دقیق است نمی شود بگوییم تساهل کرده خب بفرمایید قال یعنی قال حریر

س: بلی قال و قال

ج: احتمال دارد که این جا در حقیقت از کتاب حماد باشد چون من توضیح دادم حماد می گوید قال حریر قال زراره عنه، و الا قال

قال عنه که معنی ندارد

س: بلی

ج: این الآن اگر شما بخواهید ویراستاری کنید کتاب حریر و حماد را این شماره گذاری هایش روشن می شود آن قلت لابی جعفر

شماره می دهد این حدیث این قلت له ابهام دارد که این قلت له مال که است؟

س: داریم که زراره با

ج: محمد ابن مسلم باهم بود

س: این برای چه یک شماره جدید بخورد

ج: چون دارد عن ابی عبدالله

س: چون معنی ندارد که اگر یک بار

ج: نه آن عن ابی عبدالله، یکی زراره عن ابی جعفر یک شماره، زراره و محمد ابن مسلم هم به عبدالله یک شماره این قلت له روشن

نیست الآن اگر کلام حریر باشد دیگر شماره نمی خواهد اگر قلت مال زراره باشد شماره می خواهد از آن ور ایشان اسم دو نفر را

برد زراره باید بگوید قلنا له،

س: بلی

ج: دقت کردید چه می خواهم بگویم، باید بگوید قلنا له آن جا هم دارد می خواند همین طور است نباید بگوید قلت له، یک مشکل

کتاب حریر که، الآن خب کلینی نقل کرده اصحاب ما غالباً بنشان بر این است که اصل اولی در نقل مثل کلینی که حدیث است

این را حدیث گرفتند یعنی قال زراره قلت له بعد دارد قال و قال، قال تکرار کرده

س: قال و قال زراره

ج: قال یعنی قال حریر دیگر قاعدتاً

س: بلی

ج: قال زراره عنه،

س: علیه السلام

ج: که احتمالاً این ابی عبدالله باشد چون اولش ابوجعفر بود،

۳: ۱۳

تنها ابوجعفر بود این را ما اصطلاحاً الآن به اصطلاح ما الآن این را تو بحثهای متن حدیث مطرح می کنیم که متن چه است؟ دقت

می کنید نه به اصطلاح کم و زیاد اصلاً این متن ثابت است یا نه؟ لیکن در حقیقت این اشکال اشکال ویراستی است، یعنی اگر

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۷

جلسه: ۱۳

.....
کتاب حریر هم پیش ما بود گیر داشتیم چه کارش بکنیم؟ برایش شماره بزنیم یا نه؟ این یکی شماره می‌خواهد قال قال زراره عنه،
بخوانید

س: بلی قال و قال زراره عنه علیه السلام انه قال انما هذا بمنزله رجل افطر

ج: ببینید قال عنه قال کاملاً واضح است این شماره می‌خواهد حالا این کلام امام بعدش

س: قول بعدی یا همین ادامه‌اش انما هذا بمنزله رجل افطر فی شهر رمضان يوماً فی اقامته ثم خرج فی آخر النهار فی سفر فاراد
بسفره ذلک ابطال الکفاره التي وجبت علیه خواسته زرنگی کند و قال انه حين رحل الى

ج: و قال این تمام عبارتی که ماه یازده، سال یازده همین است هیچ جای دیگر نداریم اما این جا قال را یکبار دارد،

س: رأی هلال ثانی عشر

ج: قال

س: حين رأی الهلال

ج: نه حالا آن حکمش جای خودش،

س: قال قال باشد این جا

ج: ها!

س: معلوم می‌شود از خودش است

س: نه معلوم می‌شود از امام است

ج: از زراره است وقال یکی دارد قبلش داشت قال و قال زراره عنه آن جا اصلاً و قال سه تا قال داشت

س: بلی

ج: قال حریر قال زراره قال ابو عبدالله این جا یکی دارد و قال، خیلی عجیب است من احتمال قوی می‌دهم که اگر کتاب حریر پیش

ما بود این را برایش شماره نمی‌زدیم این در حقیقت کلام زراره است اصلاً کلام امام نیست یعنی بعد از هزار و صد سال بعد از

کلینی

س: از این حين رأی الهلال زراره

ج آها!

س: و قال زراره انما

ج: و قال زراره حين رأی بعدش هم یک چیز عجیبی چون تو نسخی که الآن بعد شرح نسخ را می‌دهم الهلال ثانی عشر دارد در

صورتی که باید عادتاً بگوید هلال ثانی عشر به نحو اضافه باید باشد

س: وصف است

ج: یعنی هلال شهر ثانی عشر، باید عادتاً این طور باشد دیگر

س: بلی این جا به شکل وصف است

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۸

جلسه: ۱۳

ج: اما این جا دارد الهلال الثانی عشر خیلی هم عجیب است قاعداً باید هلال الثانی العشر باشد لیکن ما دو نسخه داریم و الآن توضیح می دهیم که مرحوم صدوق این قسمت روایت را حذف کرده کلاً

س: از این جا به بعدش را

س: متوجه بوده که مال زراه است

ج: ابن ولید شبهه داشته که این مال زراه است، اصحاب مال الآن شما اگر نگاه کنید مباحث فقهی مخصوصاً متأخرین ما این قدر این جا گیر کردند که ما چه کار بکنیم؟ سال آن وقت توی روایت چندجا دارد که یک روز قبل از سال اگر مثلاً فرار کرد درست نیست زکات برایش واجب نمی شود این اصلاً دقیقاً اصلاً با، و قال یکبار دارد و قال هم در کافی

س: چیز را بخوانم من لایحضر را بخوانم

ج: نه حالا باشد اجازه بدهید من یواش یواش جلو بروم دقت کردید و قال اذا رأى الهلال الثانی العشر
س: وجبت علیه الزکات،

ج: این محل کلام شد به این جور فهمیدند که ماه سال در این جا یازده ماه است آن وقت این همین جور مشکل بین اصحاب ما از زمان کلینی پیدا شد بعد رسید به کجا مثل شهیدثانی گفتند بلی وجب الزکات ابتداءً لیکن استقرارش به تمام ماه ثانی عشر است، این هم یک رأی که دیشب از مستمسک خواندید اشاره کرد،

س: از اشکال شهیدثانی شروع کرده

ج: شیخ انصاری یک راه دیگری پیدا کرد برای جواب که آقای حکیم فرمود همین اقرب است عده ای هم از معاصرین همین جواب شیخ را پسندیدند می گوید در این جا نمی گوید ماه سال یازده ماه است می گوید اگر یازده ماه گذشت به منزله حال علیه الحول تنزیل در حولان است نه تنزیل در حول، بخوانید بخوانید حدیث را قال اذا رأى الهلال الثانی العشر

س: قال انه حين رأى الهلال الثانی عشر وجبت علیه الذکاء و لكنه لو كان وهبها قبل ذلك لجاز و لم یکن علیه شیء بمنزله من خرج ثم افطر

ج: خب

س: انما لایمنع ما حال علیه فاما ما لم یحول علیه

ج: اصلاً عبارت مثل عبارت فقهای است مثل عبارت یا زراه است یا

س: و لایحل له منع مال غیره

ج: اصلاً می فهمی یعنی چه؟ این عبارت یعنی چه؟

س: بلی قال زراه

ج: حالا صفحه را ورق بزیند

س: بلی

ج: در این جا از علل الشرایع نقل می کند

س: و از علل حدیث یازده

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۹

جلسه: ۱۳

ج: عجیب است صدوق این حدیث را دیده این عبارت هم توش بوده تو علل آورده تو فقیه نیاورده چقدر دقیق است آن وقت در علل حالا این هم باز اعجب این است الآن برای ما مشکل این است، علل از نسخه اسماعیل ابن سهل نقل می کند بخوانید سند را، س: بلی با سند علل حدیث یازدهم همین باب ۳۷۴ لابد صفحه ۳۷۴ بوده ابی رحمه الله قال حدثنا محمد ابن یحیی العطار

ج: که از مشایخ معروف است

س: عن محمد ابن احمد

ج: صاحب النوادرالحکمه ربّ نوادرالحکمه

س: عن محمد ابن معروف

ج: این باید عباس ابن معروف شاید باشد نمی دانم حالا محمد ابن معروف هم تو ذهنم،

س: عن ابی الفضل عن علی ابن مهزیار

ج: نه این نه علل الشرایع

س: علل الشرایع همین حدیث است

ج: نه نه بعدش بعد،

س: حدیث بعدی، حدیث بعدش فقیه است

ج: نه این جا هم پایین ندارد

س: ادامه اش عرض شود این همان سؤال همان رجل کانت عنده دراهم اشهر عن زراره قال قلت لابی

ج: عن زراره دیگر پس چطور عن زراره نیامده

س: خب الآن می رسد به زراره قبلش عن اسماعیل ابن سهل عن حماد ابن عیسی عن حریر عن زراره

ج: اسماعیل ابن سهل مرحوم شیخ صدوق در کتاب علل الشرایع روایاتی از این نسخه اسماعیل ابن سهل نقل می کند که کلینی

اصلاً ندارد شیخ طوسی هم ندارد به نظرم اسماعیل ابن سهل یا تضعیف شده یا به هر حال یک اشکال فهرستی درش هست نسخه

ایشان خیلی روشن نیست نه فقط این جا جای دیگر هم همین طور است

س: فقیه نیاورده این را

ج: فقط در فقیه هم نیاورده حالا این هم خیلی عجیب است، ممکن است در تمام نسخ ابراهیم ابن هاشم نبوده

س: این هم اسماعیل ابن سهل مراد

ج: ممکن است در تمام نسخ، چون کلینی از ابراهیم ابن هاشم آورده و همین نسخه پیش صدوق هم موجود بوده، یکبار دیگر

سند را بخوانید

س: بلی ابی قال حدثنا محمد ابن یحیی العطار عن محمد ابن احمد

ج: به نوادرالحکمه می خورد که حرف های گفتم همیشه یک خرابی دارد

س: بلی عن محمد ابن معروف عن ابی الفضل عن علی ابن مهزیار عن اسماعیل ابن سهل عن حماد ابن عیسی

س: نجاشی گفته که ضعفه اصحابنا له کتاب اخبرنا محمد ابن محمد قال حدثنا حسن ابن

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۰

جلسه: ۱۳

ج: محمد ابن محمد شیخ مفید است حسن ابن حمزه همان طبری مرعشی است که از اجلاست

س: حسن ابن حمزه ابن بوته احمد ابن محمد ابن خالد حدثنا ابی عن اسماعیل

ج: آن دوتاش

س: کتب اربعه این اسماعیل ابن سهل تو کتب اربعه یک سند دیگر ما داریم که آن هم دوباره از حماد از حریر است توی فقیه،

ج: بلی کلینی ندارد از ایشان

س: خود ایشان یکبار فقط در فقیه

ج: دقت کردید خیلی عجیب است در نسخه اسماعیل ابن سهل هم همین هست تو همان نسخه اسماعیل ابن سهل فقط در

این جاهاست به نظرم نگاه بکنید

س: بلی

ج: ثم قال اذا رأى الهلال الثانى عشر

س: هلال ثانى عشر

ج: حالا می خواهید بخوانید از اول

س: بلی بخوانید

س: علل الشرایع جلد ۲ صفحه ۳۷۴

س: بلی این هم ۳۷۴ آدرس داده همین چاپ است

ج: بلی

س: بل قال قلت لابی جعفر عن زراره قال قلت لابی جعفر رجل کانت عنده دراهم اشهر فحولها دنانیر فحال علیها منذ یوم ملکها

دراهم حول أ یذکیها قال لا، ثم أ رأیت لو ان رجلاً دفع الیک ماءً بعیر و اخذ عنک ماءً بقره فلبست

ج: حالا این زیادی است که در کافی نیست حالا من چون

۴۲: ۲۱

توی باب زکات انعام آورده بعد بخوانید

س: نوادر علل الزکات، باب نوادر علل زکات

ج: تازه تو علل آن هم نوادر

س: نوادر علل زکات

س: مقدمه طولانی دارد تو این جا نیست،

ج: نیست این مقدمه بعد بخوانید بعد بیاید قال قلت لابی جعفر همین قال قلت هاش را بخوانید

س: بلی بعد ثم قال عنه تا می رسد به این جای که قال فقال زراره عن ابی جعفر علیه السلام لیس فی نیف شیء

ج: نه این هم نبوده آن جا نخواندید

س: بلی آن جا نبود، لیست، باز و قال زراره و ابن مسلم قال ابو عبدالله علیه السلام

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۱

جلسه: ۱۳

ج: این مثل همان شد

س: ای رجل کان له مال و حال علیه الحول فانه یذکی،

ج: خب

س: قلت له فان وهبه قبل

ج: خیلی عجیب این جا هم قلت له دارد نسخه با این که ببینید قلت له دارد آن جا هم خواندیم قلت که مشکل دارد دو نفر اسم

می برد چرا ضمیر به یکی بر می گرداند بلی قال قلت و قلت له

س: قلت له فان وهبه قبل حوله بشهر او بیوم قال لیس علیه شیء ایضا قال و قال زرارہ

ج: ببینید عین همان است قال وقال زرارہ عنه، این جا انصافاً خیلی عجیب است دقیقاً نسخه اسماعیل ابن سهل با ابراهیم ابن هاشم

یکی است سه تا قال دارد قال یعنی قال حریر دیگر قاعدتاً این طور باید باشد قال زرارہ عنه عن ابی عبدالله انه قال بخوانید

س: انه قال انما هذا بمنزلہ رجل افطر عین همان است، افطر فی شهر یوماً فی اقامته ثم خرج فی آخر النهار فی سفر و اراد بسفره

ذلک ابطال الکفارہ التی وجبت علیه و قال انه

ج: و قال بازهم یکبار دارد

س: رأی الهلال الثانی عشر همان صفت و موصوفی

ج: خیلی عجیب است در این نسخه روشن شد

س: عین نسخه کافی

ج: قال یکی دارد

س: بلی

س: فقیه را دیگر بخوانم

ج: حالا باشد فقیه هم بلی، دقت کردید چه می خواهم بگویم فقط ایشان دارد لایمنع الحال علیه آن جا اذا حال

س: دارد که و قال انه حین رأی الهلال الثانی عشر وجبت علیه الذکاء و لکنه لو کان یهبها قبل ذلک

ج: آن جا دارد وهبها این جا اختلاف دارند

س: بلی و لم یکن علیه شیء بمنزلہ من خرج ثم افطر انما لایمنع الحال علیه

ج: این غلط است در کافی خواندی اگر یادتان باشد انما یمنع

س: لایمنع

ج: لایمنع ما حال

س: بلی عبارت نسخه کافی

ج: انما لایمنع ما حال این جا دارد الحال انما لایمنع ما حال علیه

س: قال جائز وجبت علیه قبل الحول تا

ج: الآن خواندید خود شما از کافی

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۲

جلسه: ۱۳

س: بلی ثم افطر انما لایمنع ما حال علیه

ج: این جا دارد و لذا طبق قاعده آقای مختاری نکته ادبی بگوییم آن جا بخوانید ما حال این جا بخوانید الحال علیه لایمنع الحال علیه

س: بلی این جا حال علیه

ج: دقت کردید

س: بلی لایمنع الحال علیه

ج: این جا باید حال خوانده بشود به تشدید

س: بلی آن حال یک فعل است

ج: آن فعل است این جا اسم فاعل است روشن شد

س: فرمود ما لم یحول علیه فله منعه

ج: اما آن جا دارد ما لم یحول بازهم

س: بلی فاما ما لم یحول در کافی بود فله منعه

ج: آن جا هم همین طور مثل همین است بقیه اش مثل هم است بعد بخوانید بعد از این سؤال بخوانید تمام بشود

س: قال زرارہ قلت له

ج: ببینید باز گفت قال زرارہ قلت له،

س: مأتی درهم

ج: ببینید پس معلوم می شود قال فقط زرارہ بوده چون دارد قلت له یعنی لابی عبدالله

س: بازهم دنبالش دارد که قال زرارہ بلی قال نعم قال زرارہ و قلت له

ج: دقت کردید خیلی عجیب است این اصحاب ما این ظرافت را،

۲۵: ۳۹

خداوند متعال شاید بیست قبل ما ملتفت شدیم اولین بار به این حقیر سراپا تقصیر که بابا این وسط این ها را اصطلاحاً بهش

می گویند حدیث مدرج ما بهش نمی گوییم حدیث مدرج

س: مدرج یعنی

ج: مدرج حدیثی که کلام راوی در ضمن کلام امام آمده این را در اهل سنت هم می گویند مدرج

س: بلی

ج: وقتی کلام راوی در ضمن کلام معصوم وارد شده باشد مدرج می گویند درج شده در ضمن آن، ما به نظر ما این اشکال ویراستی

دارد ویراستاری دارد

س: به دلیل این که فقیه آن را نقل نکرده

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

جلسه: ۱۳

صفحه ۱۳

ج: اصلاً نه خود عبارت قبلش دارد قال زرارہ عنہ این جا دارد و قال باز دارد و قال قلت له یعنی دقیقاً به نظر من خیلی ظریف مراعات شده توجه نشده، این وقال را به امام صادق برگرداندند هم قبلش هم بعدش دوتا قال دارد قال قلت له قال و قال زرارہ عنہ آن جا سه تا دارد

س: در وقتی که راوی بخواهد سؤال از امام بکند قال هاش درست است

ج: این احتمالاً اجتهاد خود زرارہ است احتمال، دقت کردید البته مرحوم کلینی شاید نظرش این بوده چون در کتاب حریز آمده و خیلی عجیب است ما نمی دانیم چرا مرحوم صدوق این را مستقیم از کتاب ابراهیم ابن هاشم نقل، خیلی اختلاف شان کم است دقت کردید در این نکات ظریف که الآن عرض کردم مثل هم اند نمی دانم توجه کردید،

س: بلی

ج: البته بعد گفت معمى چو حل گردد آسان شود، بیش از هزار و صد سال است الآن بنشان بر این است که قال را به امام صادق برگرداند و الی یومنا هذا هنوز در تعلیقات عروه، همه بحث کردند که آقا ما چه حرفی بزنیم به مردم سال یعنی یازده ماه، آخر این معقول نیست سال که یازده ما نمی شود بعد هم روایات زیادی سنه دارد سنه که یازده، این و صدوق را نقل کرده از فقیه

س: بلی حالا زرارہ چطور این برداشت را کرده باید برویم دلیل برای زرارہ پیدا کنیم

ج: حالا آن بحث بعدش هم آن ذیل عبارت اصلاً ذیل عبارت را شما ملتفت شدید یا نه؟ و قال اذا رأى الهلال الثانى عشر بخوانید س: همان عبارتی، بلی و قال انه حين رأى الهلال الثانى عشر وجبت عليه الزكاة و لكنه لو كان يهبها یا وهبها قبل ذلك لجاز و لم يكن عليه شئ

ج: قبل از ماه دوازدهم بخواند، ببینید دقت کنید چه شده؟ نمی دانم ملتفت شدید می خواهد بگوید درست است اگر قبل از ماه، یعنی ماه دوازدهم را یک اصطلاحی بوده حالا بیاورید کلمه کتاب کلام عمر ابن عبدالعزیز چون اصحاب نگاه، قال عمر هذا شهر زكاتكم

س: شهر دوازده را

ج: این کلام زرارہ یک کلام اجتماعی است در اجتماع این طور بوده یعنی تا ماه دوازدهم اگر بخشید ماه دوازده دیگر دخل و حساب ها را جمع کن که زکات را آخر ماه بده، اینی که شهید ثانی می گوید اول وجوب است وجوب نیست. س: موطأ مالک از عثمان منتهی نگفته شهر دوازده

ج: هذا شهر زكاتكم شهر زکات همان ماه دوازده است دیگر اما از عمر ابن عبدالعزیز هم دیدم من بخوان عبارتش را حالا من این الآن شرح تاریخش را بدهم باید برگردم به قبل از اسلام و شرح تاریخی زکات و این ها که حالا عرض می کنم دقت قال کان عمر، من از عمر دیدم

س: شهر دوازدهم حواسشان را جمع کنند

ج: ها! کم و زیاد نکنند فرار نکنند فرار مالیاتی نداشته باشند دیگر ببینید و لذا خوب دقت کنید می گوید وجبت علیه یعنی دیگر فرار نکن تا قبل از این اشکال نداشت این مرحوم شیخ دورن تنزیل به دوران است تنزیل هست نه دوران و نه، س: کجا، در صفحه کجا دیدید خاطرتان هست

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۴

جلسه: ۱۳

ج: نه بابا یادم رفته بود، الحمدلله خوب شد که ابن فضال پسر یادم بود

س: همه‌اش آخر از عثمان است

ج: همه‌اش از عثمان است

س: این چیز توی تلخیص

۳۳: ۲۹

ابن حجر این کتاب تخریج الاحادیث تلخیص الحیر آن‌جا می‌گوید حدیث عثمان انه قال فی المحرم هذا شهر زکاتکم فمن کان علیه دین فلیقض دینه ثم لیذکی ماله

ج: ببینید از ماه دوازدهم حساب‌هایتان را تصفیه بکنید که آخر ماه باید ازتان زکات بگیرد

س: محرم گفته که محرم که

ج: شاید اول سال بوده

س: اول سال

ج: شاید اول سال یعنی آمدند

س: اتفاقی با سال محصول یکی است

ج: حالا ببینید نکته فنی چه است نکته فنی اصولاً این است زکات یک پدیده اجتماعی است اصلاً خذ من اموالهم صدقه پیغمبر دو سال زکات گرفتند بعدها اصلاً امیرالمؤمنین هم مذکی می‌فرستادند دقت کردید بعدها که به ائمه ما رسید زکات شد پدیده فردی این را توجه نکردند علمای یک امیر اجتماعی تبدیل شد به امر فردی الآن در جامعه ما امر فردی است هرکسی برای خودش سالی حساب می‌کند سر سالش را می‌دهد دیگر شهر زکاتکم ندارد آن یک پدیده اجتماعی است، س: حکومت می‌گرفت

ج: حکومت در وقت معین می‌فرستاد می‌گرفت دقت کردید چه شد؟ چون زکات در حیوانات بود آن‌هم سال بود، در غلات بود وجود غلات کار به سال نداشت پاییز می‌کاشتند فرض کن اواخر بهار جمع می‌کردند می‌آمدند زکاتش را می‌دادند دقت کردید یک نقدین سال داشت یکی هم به اصطلاح غلات این حیوان، این دوتا سال داشتند و این دوتا پدیده حکومتی یعنی این مطلب را من خیلی وقت است مثلاً در یک روایت هست مال حضرت رضاست که می‌گوید متی تجب؟ گفت اذا خُرس و اذا حسد، خُرس دارد خرس یعنی تقدیر، تخمین حالا من بعد چون می‌خواهم بعد شرحش را بدهم بگذارید بعد این نکته که زراره گفته نکته‌ای است که وضع اجتماعی زکات بوده ماه دوازدهم که آمد یعنی ماه زکات بین قبل از دوازدهم ببینید و لکن اذا فرّ بها قبل این ماه اشکال ندارد خوب دقت کردید یعنی مرحوم شیخ خیلی لطیف متوجه تنزیل شده تنزیل به لحاظ این حکم است فرار از زکات بابا قبل از ماه دوازدهم خبر می‌خواهی ببخشی کار بکنی بکن ماه دوازدهم آمد دیگر اموالت را جمع و جور کن ما چه می‌فهمیم ازش ماه دوازدهم خودمان را می‌فهمیم آن‌جا شهر زکاتکم بوده،

س: یعنی تو ماه دوازدهم اگر قبل از روز آخر تصرف کنی

ج: می‌گوید فرار نکند،

س: فرار نکند

ج: مثلاً نقدین را تبدیل به طلایی به اصطلاح سبک نکنند، این یک حکم حکومتی است الآن پیش ما این نیست این حکم چون این حکم حکومتی بوده الآن از حضرت رضا داریم خرس الآن پیش ما خرس نیست اصلاً الآن زکات پیش ما، خرس چه بوده؟ برای این که باز فرار مالیاتی نکنند در به اصطلاح در آن هم در خصوص میوه جات نه در خصوص غلات چون آقای خوبی نوشته ادله خرس اطلاق دارد شامل غلات می شود اصلاً غلات را که جور و گندم باشد خرس نمی کردند تخمین نمی زدند، خاء و راء و صاد، البته در متون تاریخ حزر هم دارد حزر حاء و زی و راء حزر آن هم یعنی تخمین به اصطلاح حازر هم می گفتند خراس را خارس هم می گفتند برای یکی از راه های که فرار مالیاتی نشود در قبل از موردش می آمدند یک کسی را به عنوان خرس، آن وقت در میوه، اینی که در روایت امام رضا علیه السلام اذا خرس و اذا حصد، حصد یعنی جمع کردند دیرو کردند این مال غلات است خرس مال انگور و مال خرماست،

س: کارشناس تخمین می زند

ج: کارشناس می آمد این ها مثلاً این آقا به اصطلاح چیزی کرم کرم یعنی تاکستان جای انگور یا نخل نخل دارد اسم های این ها در دفترهای مالیاتی این قبل از اسلام بوده اصلاً اسم های این ها در دفترهای مالیاتی موجود بود کی آمدند؟ وقتی که انگور، دیدید اولش یکدانه های خیلی ریز می زند آن را نه، قبل از این که غوره بشود دیگر دانه ها ثابت می شود، آن وقت چرا می آمدند این دوتا را خرس؟ چون این ها میوه هایشان آویزان بود انار را خرس نمی کردند سیب را خرس نمی کردند چون میوه هایش لای برگ بود، اصولاً آن ها را نمی گرفتند چون نگهداریش مشکل بود میوه تازه را نمی گرفتند لذا ما داریم زیب یعنی کشمش، و تمر خرما خشک نه رطب، میوه ای می گرفتند که بتوانند بیاورند تو بیت المال نگه بدارند آن وقت این خرس این جوری بود می آمد طرف توی این نخلستان یک

۲۳: ۳۴

می خورد می گفت آقا این نخلستان شما امسال حدود مثلاً ده تن خرما خشک نه رطب این کیفیت مالیاتش این طور، اوایی که حین الاحمرار و الاشتداد بود، دیگر خرما بسته شده می آمدند نگاه می کرد آن وقت در دفتر مالیاتش می نوشتند آقا ما تخمین می زنی در این جا ده تن باشد آن وقت غالباً دو تن سه تنش را حذف می کردند می گفتند چون کلاغ می خورد گنجشک می خورد مهمان می آید ممکن است بخورید فلان این ها هم مال می نوشتند هفت تن تو دفتر ایشان می نوشتند هفت تن وقتی که کشمش می شد می آمدند مطالبه می کردند اگر آفتی چیزی بود حساب می کردند، و الا می گفتند شما هفت تن این راه فرار، روشن چه می خواهم بگویم

س: فرمود خرس،

ج: این را اصطلاحاً خرس می گویند تو درهم و دینار این نبود که

س: این اواخر هم خرس بود نه برای زکات یک کسی می خواست باغش را واگذار کند به کس دیگر که بیاید انگورش بچیند، یک کس می رفت دید می زد می گفتند که کارشناس ها این قدر

ج: خود ما یک باغکی که داریم آنجا یک کسی سال اول انارش یک کسی آمد نگاه کرد گفت این مثلاً مثلاً فرض کن پانصد کیلو انار درجه خوب دارد چهار صد کیلو هم انار ضعیف دارد همان طور هم درآمد خیلی استاد بود با این که انار لا به لای برگ است یک گشتی زد تو باغ مثلاً و این عبدالله ابن رواحه که هدی خوان معروفی هم هست و مهندس

۴۴: ۳۵

هست ایشان هم جزو خراسین عجیبی هم هست وقتی که چون بنای با پیغمبر با اهل خیر این شد که نصف محصول مال اهل خیر نصفش مال مسلمانها ایشان رفت آنجا و دارد که به آنها گفت جئت من عند احب الخلق الی، الیکم و انت ابغض، من از پیش پیغمبر آدمم که احب الخلق بوده و شما هم ابغض الخلق، گفتند خب اگر تو با این حالت آمدی دیگر عدالت بی عدالت دیگر، گفت نه خیالتان راحت باشد عدالت تکان نمی خورد با این که رسول الله احب الخلق و انتم ابغض الخلق لیکن من عدالت رعایت، آن وقت تقریبش این طوری شد، می آمد تو نخلستان خط می کشید خط می کشید بعد خط کشید گفت این نخل های این ور میوه این ور با میوه این ور نصف است این مال شما این مال ما، گفتند نه اشتباه کردی گفت خب این یکی مال شما آن یکی مال ما فرق نمی کند بعد گفتند صدق، حتماً درست گفته، خیلی قشنگ درست گفته یعنی خیلی هوشیاری می خواهد که بیاید زمین به این بزرگی را نصف بکند میوه هایش را بگوید این مال شما این مال پیغمبر هر چه این ور درآمد مال شما این نصف است، این طرف ممکن است این طرف صد و بیست تا درخت باشد، این طرف مثلاً صد و پنجا درخت باشد اما محصول نصف می شود

س: دید می زند

ج: دید می زند، ما می گوئیم دید می زند آن وقت توی نقدین عشر می گرفتند اصلاً زکاتی یعنی پولی که در جاهلیت رسم بود مالیت جاهلیت عشر بود اصلاً اساساً عشر بود به اصطلاح آن پیغمبر اکرم که آمدند سال های آخر سال هفتم هشتم نامه های که، دیروز توضیح دادم دیشب، دو سه شب است توضیح دادم که منشأ به اصطلاح تدوین سنن شد، توی بعضی از نامه ها شاید دوتا یا سه تا من دیدم و ان لا تحشر و لا تعشر یکی با ح است تحشر یکی با ع تعشر، نامه های که به اهل یمن نوشتند تعشر یعنی عشر از شما نمی گیریم ما دیگر از شما مالیات ده درصد نمی گیریم چرا؟ چون زکات نقدین دو و نیم درصد بود ربع العشر یک چهلم، یک دهم ربع یعنی یک چهلم یعنی دو و نیم درصد، زکات گوسفند هم که در چهل تا یکی بود آن هم دو و نیم درصد بود بعد شد یک و هفتاد و پنج درصد رو هشتاد تا بعد شد یک درصد این هم مال گوسفند مال غلات فقط پنج درصد و ده درصد بود مال حیوان هم یک چیزی شبیه این است حالا به قیمت هایش حالا بحث سر قیمتش است که الان نمی خواهم وارد بشوم لذا پیغمبر عشر را برداشت اصلاً مالیات عشر را برداشت آن مالیات عشر توش خرس نبود سر سال می رفتند می گرفتند درست شد در مالیات غلات توی اسلام هم خرس، این عادت مالیاتی بود یک سنت مالیاتی بود که این طوری مالیات می گرفتند دقت می کنید لذا در روایت امام رضا خواندیم مال امام رضا بود به نظرم مال حضرت رضا، اگر حافظه من خراب نشده کم کم دارد نابود می شود از این حافظه از حضرت رضا دارد اذ خرس و اذ حصد، اذ خرس و اذ حصد، که اگر حرف آقای خویی را هم نگاه کنید ایشان می گوید خرس اطلاق دارد شامل غلات هم می شود متوجه نبودند اصلاً چرا؟ چون غلات خرس ندارد اصلاً چون گندم که آمد بالا هنوز اگر بخواهد بفروشدش ارزش ندارد باید صبر کنی تا خشک بشود به اصطلاح درو بکنند تا بفروش دیگر آنجا خرس معنی ندارد روشن شد چه می خواهم بگویم،

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۷

جلسه: ۱۳

س: مخصوص را برداشت می کردند معلوم می شد

ج: بعد از برداشت می خواستند بفروشند قبل از برداشت قیمتش یک دهم می شد ارزشی نداشت بعد از برداشت می گفتند چقدر گندم گیر آمده این حصدهم

س: اذا ما صرم و اذا ما خرس، مال امام رضا اذا ما صرم و اذا خرس

ج: من حصده خواندم صرم یعنی قطع شد این گندم، صُرم صَرم چیدن وقتی چیدن این مال حضرت رضات نیست؟ در کافی است؟ در کافی است؟

س: بلی

ج: ها! این خرس یعنی کشمش و خرما یعنی معلوم می شود نظام اجتماعی خرس هنوز تا زمان حضرت رضا بوده و مراد این است یعنی تو حساب شما نوشتند نه وجوب وجوب وقتی می رفتند که کشمش داشت حالا می آمد می گفت آقا دزد آمده برده ثابت می کرد نمی گرفتند ازش چون

۴: ۴۰

این نه، این وجوب، وجبت به این معنی و لذا هم می بینیم خودش می گوید می گوید اگر قبل از ماه هلال دوازدهم بخشید اشکال ندارد این بعدش اشکال دارد این حکومتی است زکات پیش ما شخصی شده، این آقایون ما این را توجه نکردند حتی روایت حضرت رضا این مال حکومتی است

س: یعنی حالا که شخصی شده ده روز قبل از آخر سال

ج: بلی هم فرق نمی کند بلی

س: مثل یازده ماه قبل

ج: مثل یازده ماه قبل است

س: زراره خودش این حدیث را نقل کرده اولش دارد می گوید که کسی این کار می کند از زکات فرار می کند

۳۸: ۴۰

گفته اولش

ج: نه این مال نظام حکومتی فهم خودش است،

س: این اول حدیث دارد می گوید که اگر زودتر این پول چیز کرد، می گوید به منزله کسی که از قبل از چیز می آید بیرون می تواند فرار بکند

ج: آن از کلام نقل می کند نه،

س: تو یازده ماه

ج: بلی، تو یازده، بعد می گوید یازده ماه این کار دقت بکنید حالا بعد بخوانید اصلاً این عبارت کاملاً واضح است که خیلی، حالا بگذارید بخوانیم بعد روشن می شود بخوانید و قال اذا رأى الهلال الثانى عشر،

س: عبارت علل را بخوانم

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۸

جلسه: ۱۳

ج: نه عبارت کلینی فرق نمی کند هر دو مثل هم اند فقط کلمه

۱۲: ۴۱

س: بلی تهذیب و کافی این جور است فرمودند که

ج: حالا معنی بکنیم

س: فقال انه حين رأى الهلال الثانى عشر وجبت عليه الزكاة ولكنه لو كان وهبها قبل ذلك لجاز و لم عليه شئ بمنزله من خرج ثم افطر

ج: خب بعدش

س: انما لا يمنع ما حال عليه فاما ما

ج: لا يمنع ما حال عليه

س: انما لا يمنع ما حال عليه فاما ما لم يحول فله منعه، فلم يحول عليه عليه تو تهذیب هم هست

ج: خب

س: و لا يحول له منع مال غيره فيما قد حل عليه

ج: یعنی چه؟ اصلاً عبارت عبارت روایت نیست معلوم است عبارت فقهای است

س: فلا يحل له منع مال غيره فيما قد حل عليه

ج: یعنی چه؟

س: باز دوباره قال زراره و قلت له،

ج: حالا ببینید بعد دارد قال، این به نظر من ناظر به این است که اگر ماه دوازدهم آمد حق فقراء به این تعلق گرفته این را دستکارش نکن، یعنی شده مال حکومتی دستکاری نکن، این شبیه این قصه را من ظاهراً همین جا هم نقل کرده باشم تو این درس ها نمی دانم چون الآن یک بحثی آقایون دارند که ارض سواد که عراق باشد خراجی است و این را در زمان عمر قرار داده در کتاب معجم البلدان اصلاً قصه را نوشته این مال قباد است اصلاً طبق آن نوشته اصلاً ربطی به عمر ندارد، توی کلمه سواد توی معجم البلدان نقل می کند که قباد پدر آنوشیروان یا کباد این خب این ها توی مدائن بودند توی عراق بودند دیگر
س: مرکز شان بود

ج: مرکز شان ایشان یک روزی می رود بیرون برای مثلاً شیکار و این ها بعد از لشکر کنار می افتد و می رسد یک خانه ای که مثلاً آبی طلب بکند در خانه که می رود در خانه شخصی است می بیند یک زنی هست دارد نان می پزد دارد و یک بچه ای هم هست درخت های انار هم دارند تا زن می رود مشغول نان را بزند به تنور بچه می رود طرف انار این زنه آن ها را ول می کند می آید بچه را منع می کند می آورد این ور که دست به انار نزنند بعد می رود سر نان باز بچه می رود طرف انار دید این زن در یک عذاب عجیبی است مابین درخت انار و مابین تنور و این بچه هم می خواهد برود انار بچیند نمی گذارد، قباد تعجب کرد نگفت که من پادشاه هستم، گفت که چرا این کار را می کنی خب بگذار این انار بچیند، گفت الآن وقت مالیات است هنوز عمال پادشاه نیامدند از ما مالیات این درخت ها را بگیرند خیلی عجیب است قصه عجیب است، هنوز مأموران مالیاتی نیامدند ما هنوز مالیات این درخت را

ندادیم مال اول باید مالیات را بدهیم بعد می‌گوییم بچه‌ها بخورند هنوز مالیات درخت را ندادیم لذا مانع می‌شویم تا مالیات حالا این را

۴: ۴۴

خودش حاضر باشد می‌گویند قباد خیلی ناراحت شد که این مردم در چه فشاری هستند، تا هنوز مأمور مالیاتی نرفته بچه هم آن هم با این حالت بین تنور و بین درخت انار این را نقل می‌کند توی معجم البلدان نقل می‌کند بعد که بر می‌گردد به اصطلاح به کاخش در این مدائن که هست جمع می‌کند وزراء را که آقا چه کار کنیم چه وضعی است؟ خب این که زندگی نشد که مردم در فشار، ریزنی‌های مختلف آخرش تصمیم بر این می‌گیرند خراج را به جایی که، یعنی مالیاتی را به جای که از انار بگیرند از زمین بگیرند،

س: صحیح

ج: یعنی زمینی که مثلاً کشت انار دارد در سال ده درهم بدهد، زمینی که از آن پست‌تر در سال هشت درهم بدهد چون زمین‌ها را تقسیم کردند نوشتند قیمت‌هایش را هشت درهم ده درهم دوازده درهم آن وقت لذا اگر انار رسید بچه می‌تواند بخورد دیگر مشکل ندارد پول زمین را دارد می‌دهد یک پولی ماه، درآمد ماهانه زمین را پرداخت می‌کند این را خیلی عجیب است اگر راست باشد، حالا این به اسم عمر نوشتند عمر گفت اراضی خراجی، معلوم می‌شود قبلاً ایرانی‌ها این کار را کردند آمدند مالیات را به جای روی میوه قرار بدهند این مالیات را روی زمین قرار دادند دقت کردید ایشان می‌خواهد این را بگوید می‌گوید آقا مثل همان قصه سلطان که ما نمی‌گذاریم بچه، می‌گوید بخوان یکدفعه دیگر بخوانیم یک دقت کنید: لیس له ان یمنع، اما مالم یحول، اگر حال است یعنی مال دوازدهم،

س: بلی

س: بخوانید

س: قال انه حين رأى الهلال الثانی عشر وجبت علیه الذکاء و لکنه لوکان وهبها قبل ذلک لجاز ولم یکون علیه شی بمنزله من خرج ثم افطر انما لایمنع ما حال علیه

ج: اگر حال شد،

۰: ۴۶

می‌تواند تصرف بکند

س: و اما مالم یحول

ج: اما اگر سال نشده یعنی تو ماه دوازدهم این لم یحول یعنی وارد ماه دوازدهم شد تمام نشده

س: بلی فله منعه

ج: فله منعه دیگر دست به این مال زن تا زکاتش داده بشود تا مالیاتش داده بشود فله منعه بعد بعد

س: ولایحل له منع مال غیره و اما قد حل علیه

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۲۰

جلسه: ۱۳

ج: اما اگر به اصطلاح حلّ علیه که به اصطلاح سال شد این مال مال غیر می شود مال فقراء می شود مال بیت المال می شود نمی تواند دستکاری درش بکند ظاهراً مرادش این باشد خیلی عبارت مغلق است یعنی انصافاً یک عبارت فقهی مغلق است به بقیه روایات نمی خورد این عبارت ذیلش خیلی مغلق است اگر دقت بکنید من فکر می کنم می خواهد توضیح، توضیح خود زراره است این اصلاً، بعد می گوید قال قلت له باز بخوانید

س: قال زراره و قلت له،

ج: باز می گوید قال زراره قلت له،

س: رجل کانت له مائة درهم

ج: بعد دو مرتبه بخوانید

س: قال اش را

ج: بلی

ج: بلی

س: بلی فان احدث قال تا برویم قال بعدی فقلت له انه

ج: فقلت له

س: فقلت له انه يقدر عليها قال فقال

ج: قال یعنی قال زراره فقال یعنی خیل عجیب است دقت می کنید هم قبلش هم بعدش تکرار دارد تو این یکی ندارد

س: بلی

ج: از آن ور هم می خواهیم من چون خوشم نمی آید از انفراد خیلی خوشم نمی آید بگویم یک مطلبی را ما حل کردیم هزار و صد

سال است اصحاب درش، این هم به نظرم، حالا این جا دو مرتبه از تهذیب نقل می کند، از تهذیب نقل می کند

س: خود همین حدیث را

ج: از علی ابن حسن که من گفتم از ابن فضال این جا نیست بعد از کافی بعد از کافی این جا تهذیب

س: بلی بلی

ج: بعد از متن کافی از تهذیب نقل می کند این منفرد است ابن فضال پسر منفرد است

س: بلی تهذیب و استبصار علی ابن حسن

ج: این ابن فضال پسر است

س: عن ابراهیم ابن هاشم عن حماد عن حریر عن زراره

ج: این خیلی تعجب آور است چون بعید است علی ابن حسن کوفی بیاید از ابراهیم ابن هاشم نقل بکند، مگر بگوییم علی ابن

ابراهیم بوده بعید است این علی ابن حسن باشد

س: یعنی علی ابن حسن فضال علی ابن ابراهیم باشد

ج: بلی بعید است

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۲۱

جلسه: ۱۳

س: عن ابراهیم ابن هاشم عن حماد عن حریز عین همان

ج: مگر بگوئیم ابراهیم ابن هاشم تو کوفه قبل از قم بیاید برای این هم نقل کرده

س: بلی

ج: مگر بگوئیم ابراهیم ابن هاشم قبل از این که بیاید کوفه آن وقت این جا فقط ذیل را دارد حالا آیا ابن فضال اشکال داشته از کل حدیث فقط آخر حدیث پنج شش سطر را آخر آورده بخوانید آن اصلاً ربطی به مانحن فیه هم ندارد

س: بلی قال قلت له انا اباک قال لی

ج: این آخرش است چهار سطر به آخر، پنج سطر به آخر حدیث من تو ذهنم دیشب عرض کردم ابن فضال بعد نا امید گفتم عجب من حواسم پرت، دیدم ابن فضال هست اشتباهی، این الی آخر الروایه هم دارد نگاه کنید نوشته الی آخر الروایه نیست؟

س: الی آخر الروایه

ج: مراد از آن آخر تا آخر، من خیال کردم الی آخر الروایه یعنی همه روایت، هرچه من فکر کردم من ابن فضال تو ذهنم بود چطور شد در نیامد اشتباهها، از آن جا تا آخر

س: ثم قال زرارہ قلت له ان اباک قال لی من فررها من الزکات فعلیه ان یؤدیها فقال صدق ابی علیه السلام علیه ان یؤدی ما وجب علیه و مالم یجب علیه فلاشی علیه فیه

ج: این ما وجب را ایشان خودش فهمیده یعنی ماه دوازدهم در صورتی که الآن اصحاب ما ماه وجب یعنی تو ماه دوازدهم بعدش آخر ماه دوازدهم بخواهد فرار کند این اشکال فقط در همین جاست خب حالا برگردید صدوق صدوق را هم نقل بکنید این بعد عبارت،

س: علل را

ج: علل که خواندیم توش اسماعیل ابن سهل دارد عجیب است خیلی عجیب

س: حاج آقا علل آن بحثش شد این

۵۳: ۴۹

اضافه تر نیست

ج: چرا یک کمی زیادتر شده سند زیادتر

س: از کدام قسمت علل بخوانم،

ج: بعدش بعدش

س: بعد از علل فقیه را

ج: حالا فقیه

س: روایت فقیه که روایت دوازدهم همین باب هست نوشتند حدیث شماره ۱۷ در فقیه جلد ۲ یا صفحه ۱۷ جلد ۲ روی زرارہ

ج: این جا از زرارہ و ابن مسلم و هردو نقل ببینید این ها از اصحاب ما بحث کردند طریق صدوق به زرارہ صحیح است، طریق

۲۰: ۵۰

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۲۲

جلسه: ۱۳

مسلم ضعیف است چه کار بکنیم؟ این‌ها همه‌اش این از همان کتاب حریر است آن قسمتی بود که قال زراره قلنا لابی عبدالله
س: از آن وسط حدیث

ج: احسن اصلاً ملتفت نشده کتاب حدیث است

س: آن حدیث تهذیب و کافی وسطش بود

ج: و قال زراره و محمد ابن مسلم عن ابیه اولش قال زراره عن ابی جعفر بعد هردو حالا این‌جا بخوانید فقیه را

س: فقیه دارد که

ج: روی زراره

س: روی زراره و محمد ابن مسلم عن ابی عبدالله علیه‌السلام

ج: ابی عبدالله خیلی دقیق است نگفت ابی جعفر آن‌جا ابی جعفر دارد

س: انه قال ایما رجل کان له مال و حال علیه الحول فانه یدکیه

ج: خب

س: قیل له فان وهبه قبل حوله بشهر او بیوم فقال لیس علیه شیء اذاً

ج: اذاً خب

س: و روی زراره عنه علیه‌السلام انه قال انما هذا بمنزله رجل افطر فی شهر رمضان

ج: این را زراره تنها آورده خیلی عجیب است قال قلت له تنها از زراره نقل می‌کند

س: بلی ثم یخرج فی آخر النهار فی سفر و اراد بسفره ذلک ابطال الکفاره التي وجبت علیه

ج: تا این‌جا این از آن‌جای که انما حال علیه ثانی عشر دیگر حذف کرده، خیلی این نگاه کن، این‌جا تا قبل از آن

س: فقط همین چهارتا کلمه را آورده بلی

ج: نه دقت

س: حالا انه حین رأى الهلال الثانی عشر

ج: از این‌جا حذف کرده فقیه دیگر نگفته بلی یعنی این هم قرینه می‌گیرد که آن حرف زراره است این ابن الولید به نظرم اشکال
داشته

س: خب این را صدرش می‌گوید یک روز قبلش هم می‌توانیم لیس علیه شیء

ج: بلی بلی می‌گویم ایشان احتمال داده که این اجتهاد زراره است در وسط آورده

س: می‌شود زراره یک حدیث نقل کند بلا فاصله اجتهاد مخالف کند

ج: نه یعنی می‌خواهد بگوید مراد امام از آن شهر یعنی مراد ماه دوازدهم است این اجتهادش

س: حلول شهر دوازدهم

س: این‌جا می‌گوید قبل یوم

ج: خب قبل یوم از شهر دوازدهم نه قبل یوم از سال جدید ما الآن قبل یوم از سال جدید می‌گیریم آخر ماه دوازده می‌گیریم

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۲۳

جلسه: ۱۳

س: آن قبل یوم از ماه دوازدهم فهمیده

ج: آها!

س: حول ظهورش در دوازده ماه نیست

ج: چرا ایشان می خواهد و لذا علمای گفته این جا مراد تنزیل حولان حول است مثلاً

س: این به خاطر مقدمه ای که داشته خود زراره از اهل سنت و قدیم

ج: اجتماع جامعه این طور بود

س: اجتماع و این ها فکر می کرده یازده ماه

ج: جامعه روشن شد چون خیلی عجیب است این مطلب یعنی توجه صدوق هم خیلی عجیب است دقت کردید دقیقاً آورده تا

آن جای که قال زراره از این جا را حذف کرده کاملش تو علل الشرایع آورده

س: بالاخره این سؤال هست که وجه این اختلاف

۵۳: ۴۶

چه است

ج: این خیلی عجیب است

س: از این جا حذف شده چون قیل له شده

ج: چون قلت له را ما گفتیم یا قلنا باید باشد یا قلت لهما باید باشد این جا دارد قیل له

س: بلی برای رفع اشکال بعید نیست خود فقیه یک تصرفی تو روایت کرده باشد

ج: نه حذف کرده تصرف نمی کند این قیل له که نسخه است احتمالاً نسخه است دیگر آن که حتماً نسخه است حالا نمی دانم مطلب

روشن شد

۵۳: ۱۴

بحث متن حدیث نه این خب خیلی شوخی نیست که هزار و صد ساله است در همین قم نقل شده اصلاً هر دو نسخه در همین

قم ما، یکش قبل از هزار و صد سال که مرحوم کلینی باشد یکی قبل از هزار و پنجا سال که مرحوم صدوق باشد قبل از این ها

اینجا مطرح کردند من نگاه نکردم نشد مقنعه را نگاه کنم فتوای مقنعه چون این ها ظاهراً همه حول و سنه دارند احتمال می دهم

چون می گویم تازگی مراجعه، امروز آمدم پایین یک کم مراجعه کردم دیگر خسته شدم رفتم بالا فقهباش را نگاه کردم احتمال

می دهم شیخ طوسی در نهاییه شاید یازده ماه گفته باشد احتمال می دهم

س: حالا شیخ صدوق و طوسی و فقیه و چیز را ببینید

ج: فقیه که الآن دیدم ندارد

س: مقنعه را

ج: مقنعه را مگر ببینید الآن دیدید فقیه خیلی عجیب است دقیقاً رسید تا جایی که قال و قال اذا از آن جا را حذف کرده بعد به نظم

ذیلش هم باز آورده نیآورده؟

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۲۴

جلسه: ۱۳

س: این مقداری که آورده نه دیگر این حرف آقای بروجردی تقدم مثل هذه عن التهذيب و الكافي

ج: نه آن هیچی بعد بقیه از فقیه از فقیه چیزی

س: بقیه اش بمنزله رجل افطر فی شهر رمضان یوماً

ج: نه نه بعدش من به نظرم فقیه نگاه کردم یا نه؟ فقیه امروز نگاه نکردم نمی دانم به نظرم یک جای دیگر ذیل باز این روایت را آورده ذیل روایتی که مال حریز است این قسمتی که رسیده به کلام زراره یکدفعه حذفش کرده،

س: این

۳۶: ۵۴

را ندارد

ج: نه نمی شود حول را می گویند به نظرم شیخ طوسی شاید در چیز داشته باشد در نهاییه داشته باشد

س: زکات نقدین ببینید

ج: زکات نقدین،

س: حالا این جا به خاطر این که فروعاً مسأله را دارد اما خود این که

ج: علی ای حال عرض کردم مخصوصاً از زمان شهیدثانی مخصوصاً این آقا اشکالش خب این است که بابا اگر ما بگوییم سال یازده ماه خب می خندند سنی ها سال که یازده ماه نمی شود

س: بقیه سال را چه کارش کنیم

ج: چه کارش بکنیم؟ آقای حکیم هم تنزیل را قبول کرده همان حرف شیخ انصاری عده ای گفتند نه آقا وجوب پیدا می کند اما استقرارش به آخر ماه دوازدهم است جمعش این طور کردند

س: تنزیل یعنی تنزیلی

ج: حول نیست حول یازده ماه نیست این یازده ماه به منزله این که یک سال گذشته یازده ماه به منزله حولان حول است، حول به اصطلاح حولان یازده به منزله حولان یک سال است این طوری تنزیل حولان نه تنزیل حول نه این که یازده ماه یکسال باشد،

س: از حیث حکومتی کسی که یازده ماه مالش را نگهداشته باشد دیگر

ج: این حکومتی فکر نکردند این را اولین باز من مطرح کردم، روشن شد من آنی که من،

س: حالا عبارت همین است توی نهاییه نهاییه شیخ باب الوقت الذی تجب فیه الزکات یک خرده فرمایشات می کند بعد می گوید که و اذا استهل هلال الشهر الثانی عشر فقد حال علی المال الحول فوجب فیه الزکات

ج: عرض کردم شیخ آورده تو ذهنم بود البته اطمینان نداشتم

س: همین که تو تهذیب آورده آن جا هم

ج: همان جا آورده

س: آن وقت و قد اخرج الانسان عن مال عن ملکه قبل از استهلال ثانی عشر سقط عنه فرض الزکات

ج: آن وقت دیگر تو ماه ثانی عشر نمی تواند فرار کند

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۲۵

جلسه: ۱۳

س: مضمون همین حدیث

ج: دیگر احسن روشن شد این می خورد به همان زکات اجتماعی که عرض کردم آقایون ما توجه فرمودند هنوز زکات پیش این ها پدیده من عرض کردم اگر روایات اهل بیت نبود زکات یک پدیده اجتماعی است اما الآن خودما با این زکات این معامله نمی کنیم اصلاً ماه زکات نداریم شهر زکاتکم نداریم اصلاً الآن شهر زکات نداریم هرکسی خودش مالش را حساب می کند یک سال شد زکاتش را می دهد اصلاً ربطی به شهری اما هذا شهر زکاتکم این مال زکات اجتماعی است به اصطلاح حکم به اصطلاح حکومتی حالا مال عثمان را کامل بخوانید گفتید موطأ دارد اصلاً عبارتش را کامل بخوانید

س: همان که عرض کردم

ج: همین هذا شهر زکاتکم یک کلمه،

س: بلی منتهی عرض کردم ابن حجر در تلخیص گفته این در ماه محرم این کار را کرده

ج: خیلی خوب اول است اول سال به هر حال یک معینی بوده حالا محرم بوده یا صفر بوده آنش مهم نیست

س: دوتا متن فقهی خوانده می شود از سنی ها مثل مغنی و اینها

ج: بلی بخوانید از خود موطأ مالک از عثمان چون من شهر زکاتکم فقط تو ذهنم هست بقیه متن را قبل و بعدش تو ذهنم نیست عثمان چه می گفته من عمر ابن عبدالعزیز هنوز هم مصر هستم که عمر ابن عبدالعزیز تو ذهنم است

س:

۳۸: ۵۷

باب الزکات فی الدین حدثنی یحیی عن

۴۳: ۵۷

عن ابن شهاب عن الصائب ابن یزید

ج: ابن شهاب همان زهری معروف است محمد ابن مسلم

س: عن عثمان ابن عفان کان یقول هذا شهر زکاتکم توی موطأ که محرم ندارد ابن حجر

ج: اشکال ندارد یک ماه معینی است به هر حال معلوم است یک ماه معینی است ماه هم مالیاتی است ماه گرفتن مالیات است،

س: فمن کان علیه دین فلیؤد دینه حتی تحصل اموالکم فتؤدونه

ج: توی ماه یازده جمع و جور بکنی ماه یازده که زکات را بدهیم واضح است کاملاً واضح است یعنی نکته ای را که من عرض کردم این مال زکات است اموالتان جمع و جور بکنید دین و غیر دین این ها را جمع و جور بکنید تا معلوم بشود چقدر مال شما زکاتش را بدهید

س: نه این که سال

ج: ها! این یک پدیده اجتماعی است دیگر کاملاً واضح است اما ما الآن این کار را نمی کنیم حکومت هم نمی آید اعلام کند در جامعه فرض کنید در ایران که آقا الآن ماه زکات است هذا شهر زکاتکم تازه اگر هم از غلات می گیرند از هرجای ایران حسب همان جا آن جای که سرد سیر است دیرتر می گیرد آن جای که گرم سیر است،

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۲۶

جلسه: ۱۳

س: تو اموال گفتند این ماه رمضان بوده

ج: اموال عیبیده؟

س: می گشته در سال دیگر، می گویم سال چون سال زراعی است

ج: نه نه زراعی نبوده این، مال نقدین است نقدین است

س: نقدین

ج: زراعی نیست نه سال قمری است شمسی حساب نمی کردند

س: آری نقدین

ج: نقدین یا محرم است یا ماه رمضان، ماه رمضان چون در روایات ما دارد آن ها ندارند که اصلاً در ماه رمضان سال هشتم آیه نازل

شده خذ من اموالهم صدقه و لذا احتمالاً پیغمبر بعد از سال گرفتند احتمالاً ماه رمضان سال بعد توی عید فطرش گرفتند یعنی تو

ماه رمضان سال بعد شده یک سال

س: اصلاً سال نهمش

ج: سال نهم و سال دهم گفتم دو سال یک وقت دیگر هم مطرح کردم همین جا دو سال گرفتند سال یازدهم که فوت کردند چون

تو سفر فوت کردند به ماه رمضان نرسید این مطلبی که اموال می گوید به نظرم به اعتبار نزدیک تر است چون پیغمبر سال ماه رمضان

گرفتند یک سال هم فرصت گذاشتند شد ماه رمضان سال نهم ماه رمضان سال دهم بعید نیست که بعد همین برنامه را به هر حال

کاملاً واضح است شهر زکات دارد و واضح است که اموالتان را جمع و جور کنید که زکاتش خیلی واضح است به نظرم زراعه این

پدیده اجتماعی را ورداشته گفته، لیکن این آن وقت چون روایت هم داریم آخر ما که در روایت ما انسان اگر مالش را زکات داد

به حکومت دیگر نمی خواهد دوباره بدهد اصلاً بحث زکات یک مقدار روایت زکات ما در باب همین زکات حکومتی است، دو

این که می شود از اموال زکاتی که حکومت می خرد بخیریم اصلاً این را هم داریم اصلاً دو سه جور بحث ما در زکات داریم ما در

بحث اخذ جوائز از سلطان انواع اموالی که از سلاطین جور گرفته می شود آن جا توضیحش دادیم یکش همین که اگر آمد زکاتتان

گرفت این کافی است خب زکات در موقع زکات می گرفته با عامه مردم، دو می توانیم مال زکات را بخیریم، دولت رفته زکات جمع

کرده شما بروید از دولت بخرید می گویند اشکال ندارد این مسائل مالی البته معارض هم دارد

س: این روایت عثمان را همه بر این آوردند که دین هم بهش زکات تعلق می گیرد استشهادشان تو مسأله

ج: می دانم استشهاد، من آنی که شما فرمودید نمی دانستم مال دینش است می گفت یک کلمه شهر زکات گفتم لذا گفتند تا بخوان

تا بینم قبل و بعدش چه است؟

س:

۵۴: ۶۰

و این ها تو همین مسأله آوردند

ج: توی دین

س: بلی ابن رشد و این ها اصلاً جزء مسأله های این که اختلافوا من هذا الباب فی مسائل الثانیه مشهوره

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۲۷

جلسه: ۱۳

ج: مسائل ثمان، ثمانیه نه،

س: چون این جا این جور چاپ شده بعد

ج: چون مسائل مؤنث است ثمان باید مذكر باشد

س: می گوید الرابعه فی اعتبار حول الدین اذا قلنا ان فی زکات، این اصلاً جزء مختلفی زکات آورده

ج: این من کلمه هذا شهر الزکات گفت تو ذهنم بود، دارم

۶۱: ۲۴

هنوزم هم بر نگشتم،

۶۱: ۲۷

عمر ابن عبدالعزیز حالا بعد برگردیم اگر پیدا بشود، علی ای حال مگر بعد پیدا بشود و لذا به ذهن من می آید این عبارت مال زراره است ذیلش هم یک عبارت فقهایی معقدی است اصلاً روشن شد بقیه روایت این تعقید را ندارد این ذیلش شاهد و به نظر من ابن الولید انصافاً اگر این مقدماتی که در ذهن ما بوده درست باشد ابن الولید معتقد بود که این روایت نیست صدوق هم تو علل الشرایع آورده تو فقیه نیاورده چقدر این ها دقیق بودند انصافاً خیلی دقت است انصافاً اگر مقدماتی را که من عرض می کنم آن در به اصطلاح چون ما می خواهیم برگردیم این متن ثبوتش الآن محل اشکال است لیکن ثبوتش محل اشکال است نه مثلاً الآن اصطلاحاً حدیث را مدرج حساب می کند من به نظر من صحیح است مدرج است کلام زراره است لیکن حدیث مدرج بیشتر جای است که یک قال ای نیاد در وسط بیاید جدایش می کند،

س: یعنی مشخص است

ج: لانه لاتترك الصلاة بحال این را هم بیار بابا لاتترك الصلاة بحال

س: این روایت را از خود عبارت چیز بیاورم

ج: و به نظر من از نظر فقهی هم چون شیخ فتوی داد بین اصحاب جا افتاد

س: مشهور شد بلی

ج: مشهور شد بعد هم خب به مشکل برخوردند که نمی شود سال یازده ماه باشد توجیهات هم شروع شد مراد مثلاً اصل وجوب زکات است استقرارش به آخر ماه دوازده است مراد حولان حول تنزیل که آقای حکیم گفت همین رأی خوب است رأی شیخ انصاری را قبول کرد به ذهن ما اصلاً کلاً بحث مجرای ندارد کلام کلام زراره است در کتاب حریر آمده قبلش و بعدش دقت انسان بکند به نظر من خیلی واضح است که کلام با قبل و بعدش فرق می کند

س: اهل حدیث مدرج را چه می گویند

ج: همین

س: این نه، اعتبارش را

ج: قبول نمی کنند

س: قبول نمی کنند

ج: بلی بحث دیگر دارند که اگر زیاد نه اگر زیادی ثقه باشد آن بحث دیگر است مثل همان حدیث ابن عباس چند نفر نقل کرده آن ذیل ندارد ان الله اذا حرم شیئاً این جا را اصطلاحاً می گویند زیادی ثقه

س: یعنی به قدر متیقنش عمل می کند

ج: نه آن، اما اگر حدیث مدرج باشد قبول نمی کنند مثلاً در همین می گویند که این حدیثی که هست من کثر صلاته باللیل حسن وجهه بالنهار در درایه شهید هم دارد اگر نگاه بکنید که یک نفری نشسته بود این حدیث را می خواست نقل کند، گفت من کثر صلاته باللیل فدخل علیه فلان و كان حسن الوجه، عابد بود و خیلی خوش وجه بود گفت حسن وجهه این حسن وجهه مال خودش است این را در درایه شهید هم دارد این را اهل سنت دارند اما ما روایت داریم حالا شهیدثانی متأثر شده به کلام

۶۴: ۰

و الا ما داریم که این حدیث حسن وجهه بالنهار مال راوی است تتمه روایت نیست دقت کردید اصطلاحاً این ها مدرج این مثال را هم می زنند که نصفش که آمد روایت بکند آدم خوش سیمای بود اهل نماز شب و این ها بود وارد شد نگاه کرد چشمش چشمش افتاد به آن گفت حسن وجهه بالنهار من کثر صلاته باللیل خب آن لنا حالا

س: خود عبارت ابو عبید

۶۴: ۳۴

باشد این جا طوری که سند همان است سمعت،

۶۴: ۳۸

هذا شهر زکاتکم فمن علیه دين فليؤدى حتى تخرج زکات اموالکم و من لم تکن عنده لم تطلب منه حتى يأتى بها تطوعاً و من اخذ منه حتى يأتى هذا الشهر من قابل قال ابراهيم ابراهيم که توی

ج: نخعی

س: ابراهيم سعد که توی سند بود

ج: ابراهيم اگر باشد ابراهيم ابن سعد ابن عبدالرحمن ابن عوف است

س: می گوید آراه یعنی شهر رمضان

ج: آراه این برداشت خودش ماه رمضان است

س: بلی ابو عبید اشکال می گیرد می گوید قال ابو عبید و قد جائنا فی بعض الاثر و لا ادري عمن هو ان هذا الشهر الذى اراده عثمان هو المحرم

ج: پس دو، ماه رمضان به رسول الله بیشتر می خورد بعد به تنظیم سال به محرم بهتر می خورد تنظیم سال از اول سال مسائل بودجه را جمع آوری بکنند ذکوات را جمع آوری بکنند این محرمش بهتر می خورد دقت کردید

س: بلی با آن که سال شمسی ادارات

ج: ها! آن‌ها با ماه محرم اول محرم تنظیم مال و این‌ها می‌خواستند بکنند این بهتر می‌خورد به ماه محرم اما به آنی که از پیغمبر ما نقل، آن هم اهل سنت نقل نکردند پیغمبر در ماه رمضان آن را من ندیدم در بین اهل اما این که آیه مبارکه در ماه این در روایت ما آمده آن وقت آن لاتحشر را هم بخوانم تا شما لاتترک الصلاة بحال بیاورید، آقای علوی با این که عرب اند اما تحشر یعنی چه؟ لاتعشر یعنی عشر ندهید یک دهم ندهید

س: ایشان از بیخ عرب نیستند

س: عرب زاده

ج: عرب زاده لاتحشر یعنی چه؟ آقای مختاری شنیدی لاتحشر یعنی چه؟ پیغمبر فرمودند لاتحشر و لاتعشر نه ازتان یکدهم بگیریم ده درصد بگیریم و نه حشر، می‌دانید حشر یعنی چه؟ لاتحشر و لاتعشر حشر یعنی سربازگیری اجباری، اصلاً به ذهن‌تان می‌آمد، چون وقتی جنگ می‌شد می‌آمدند به زور جمع، حشر یعنی جمع کردن و اذا الوحوش حشرت، خود حشر به معنای جمع آوری، ما بیاییم بگوییم از این عشیره ده هزار نفر بدهید از این عشیره پنج، ما نه این جهاد فی سبیل الله هرکس توانای دارد پا شود بیاید ما دیگر شما را سربازگیری اجباری نداریم سربازگیری اجباری را از شما بر می‌داریم نه این که بیاییم به زور از شما این عدد بگوییم جوان بیاورید برای ما لاتحشر و لاتعشر، این هم فایده دیگر درس امشب این تحشر به معنای حشر برای به اصطلاح و جنگ و این‌ها این جنگ جنگ به اصطلاح جهاد جهاد فی سبیل الله است افرادی که صلاحیت دارند حمل صلاح بکنند پا شوند بیایند دیگر ما نمی‌آییم زورکی

س: داوطلبانه بیایند

ج: داوطلبانه بیایند سربازگیری اجباری نداریم سربازگیری عمومی نداریم این هم مال شرح

س: آن یکی مالیات از شما نمی‌گیریم

ج: مالیات هم ازتان نمی‌گیریم، آن وقت زکات را پیامبر قرار داد دو و نیم درصد ده درصد آن وقت عمر آمد ده درصد را در تجارت خارجی قرار داد مثلاً اگر کسی از حجاز می‌خواست برود به عراق تو آن‌جا بین مرز عراق و حجاز ازش ده درصد اموالی که داشت می‌گرفتند این را هم بهش می‌گفتند عشار به این مناسبت الآن در لغت عرب عشار مالیاتچی می‌گویند کسی گمرکچی است کسی گمرک است، عشر این عشر برای تجارت خارجی است در تجارت داخلی هم نبود در تجارت داخلی اگر مال داشت همان دو و نیم درصد بود اموالی داشت دو و نیم درصد اما اگر خارجی می‌شد می‌برد کشور دیگر منطقه دیگر از عراق می‌برد شمال عراق که جزیره می‌گفتند از عراق می‌برد به ری مثلاً از ری می‌برد به خراسان خارجی به این معنی از یک ولایت به ولایت دیگر از یک ایالت به ایالت دیگر این‌جا ازش به اصطلاح عشر می‌گرفتند مالیات عشر خب این هم راجع به این حدیث و متن این حدیث که حالا چه بوده این حدیث به ذهن ما می‌آید که این متن کلام زراره است و جزء روایات نیست و اگر دست ما بود بر این شماره نمی‌گذاشتیم قال را دیگر شماره نمی‌گذاشتیم برای قبلش قال و قال علیه‌السلام بعدش هم شماره می‌گذاشتیم

س: این‌جا حریر در حقیقت آن‌جا که و قال زراره و محمد ابن مسلم حریر این‌جا از دو نفر نقل می‌کند که این دو نفر هم تازه امام صادق علیه‌السلام یعنی این دو بزرگوار از امام صادق از این‌جا به بعد را نقل می‌کند

س: آن یک روایت دیگر است

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۳۰

جلسه: ۱۳

ج: این روایت همان ذیلش است صدوق از این جا نقل کرده فقط یک قلت له داشت به قول علی رضا ملتفت شد یک قلت له ازش که گفتیم این چه می شود قلت لهما بوده یا قلنا له بوده آن جا دارد قیل له، قلت را تبدیل کرد به قیل فقط فرقی همین است در آن نسخه که در علل دارد باز هم قلت له هست نسخه علل را هم خواندیم قلت له داشت دقت کردید اما تا رسیدیم به این جای که حال علیه الحول این جا دیگر در فقیه حذفش کرد

س: احتمال هم می دهد که اجتهاد خود فقیه چون فقیه دارد که

ج: چرا

س: مشکل داشته باشد با آن

ج: بیشتر

س: صافش می کردند

س: صاف می کرد

ج: بلی همان معلوم می شود صاف

س: این مثلاً می گوید آقا نمی خورد یازده ماه بگذار حذفش احتمال نمی دانید

ج: چرا؟ اما چون فقیه خیلی دنبال ابن الولید خیلی دقیق است انصافاً مرد ملایی است یعنی اما اگر باشد یعنی اگر این مقدماتی که من عرض کردم درست بشود یک چیزی عجیبی است یعنی یک نقاط خیلی، معلوم می شود خیلی اجتهاد کار سنگینی است بررسی روایات اهل بیت فوق العاده سنگین است از مثل کافی و ما بخواهیم اشکال بگیریم البته ما روایات دیگر هم حدیث در کافی دارد که آن را هم اشکال داریم منحصر به این نیست حالا اگر فرصتی شد می خوانم و اگر فرصت نشد دیگر باید آقایون مراجعه کنند علی ای حال لا تترك الصلاة بحال نیاوردید

س: این عبارت که نیست ولی

ج: فانها لا تترك الصلاة

س: لا تترك صلاتها بحال چیزی این جوری بود

س: یا الصلاة لا تترك بحال

ج: الصلاة لا تترك بحال ذکر شده نداریم همچو متنی نداریم اصلاً همچو متنی، انها لا، یعنی مستحاضه لا تترك الصلاة بحال این انهاش را انداختند شد لا تترك الصلاة بحال

س: بلی قاعده کلی بر همه جا شد

ج: بعد یک قاعده کلی که نماز به هیچ وجه به هر جوری شده باید به هر درجه برسد خوانده بشود اصلاً همچو متنی ما نداریم آن وقت بحث ما این است که در این نقد متن به جای این که فقط بگوییم نداریم دنبال ریشه های کار بیفتیم این اولاً لا تترك الصلاة بحال نداریم

س: چرا؟

ج: نداریم خب نه،

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۳۱

جلسه: ۱۳

- س: ریشه‌هایش یعنی که چرا این جوری شده
- ج: چرا این جوری شده این روایتی که داریم لانها که مستحاضه باشد لاتترک الصلاة بحال
- س: بلی در هر شرائطی یک جوری می‌خواند
- ج: مستحاضه مثل حائض نیست مستحاضه صغیره کبیره متوسطه نماز را می‌خواند حائض نمی‌خواند دقت کردید آن وقت این انهایش را انداختند شد لاتترک الصلاة بحال عبارت را بد خواندند
- س: شأن نزول را فراموش کردند
- ج: اصلاً نه اصلاً می‌گویم تقطیع شد که عوض شد کلاً قرائتش هم عوض شد، یا لاتدعو الصلاة بحال،
- س: و الا زندانی فاقد طهورین باشد می‌گوییم
- ج: می‌گویند لاتترک الصلاة بحال می‌گوید فاقد طهورین
- س: واجب نیست
- ج: بلی این، الآن می‌گویند لاتترک زندانی اگر فاقد طهورین بوده باز لاتدعو الصلاة بحال شاید باشد، لاتعو الصلاة بارید
- س: بعضی می‌گویند
- ج: نه بودنش که یقین داریم هست
- س: یعنی واجب نیست ولی فقهاء
- ج: امروز هم خودم گشتم توی جامع الاحادیث خودم پیدا نکردم تو باب حیض و استحاضه پیدا نکردم یا شاید لاتعو الصلاة بحال
- س: دارم لاتعو را نگاه می‌کنم
- ج: نه این که بودنش که قطعاً هست درش شبهه ندارم نه،
- س: و الا آن که معروف است تو زبان‌ها
- ج: لاتترک الصلاة بحال
- س: لاتترک الصلاة بحال
- س: الصلاة لاتسقط بحال
- س: لاتسقط
- ج: آن آن جا دارد
- س: نه تو حدیث چه
- س: نه حدیث کجا بود، نداریم
- ج: نه آن آقای خویی متن، آن فتواست عبارتش را از کجا آورده؟
- س: خب عمومات وجوب الصلاة شاید
- س: نه خب وقتی فاقد طهورین و دسترسی ندارد
- ج: بلی دلیل نداریم که نماز را بخواند و هکذا

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۳۲

جلسه: ۱۳

س: لا

۷۳:۰

الصلاة على حال فان النبي صلى الله عليه قال

ج: الصلاة عماد دينكم

س: الصلاة عماد دينكم

ج: اين است اين روايت است اين را بياوريم اين روايت اين است

س: كافي جلد ۳ صفحه ۹۹

ج: بيار بابا اين روايت را بيار كامل بيار اين هم باز از كافي نقل مي كند لاتدعو الصلاة بحال فان النبي قال الصلاة عماد دينكم خب اين الصلاة عماد دينكم بر فرض باشد به خصوص مستحاضه نمي خورد اصلاً تعليل به آن نمي خورد بعد هم الصلاة عمار دينكم چه ربط دارد كه مستحاضه نماز بخواند يا نخواند، لا اقل حائض نمي خواند خب مستحاضه هم نخواند اصلاً نحوه استدلال

س: نفساء هم نمي خوانند

ج: بلي نفساء هم نمي خوانند نحوه استدلال خيلي همچون صاف در نمي آيد آوردی بابا به نظرم اين هم حريز است عن زراره است به نظرم اين طور تو ذهنم اجمالاً بلي آقا؟

س: بلي همان از حماد عن حريز عن زراره قلت له النفساء متى تصلي قال تعقد بقدر حيضها و تستزير بيوم فان ان قطعت الدم و الا

۷۴:۰

و احتشت و

ج: احتشت نه، احتشت

س: واحتشت

ج: واحتشت، حشو يعني به اصطلاح پنبه بردارد با خودش

س: بلي واحتشت و استزفرت و صلت و ان جاز

ج: و استسفرت استسفرت سفره به معنای استتفرت دابه مثلي كه مثلاً الاغ بلا نسبت يا اسب دمبش را لای پایش مي گيرد استسفار اين است دنبش را لای پایش بگيرد اين هم پنبه ای لای مثلاً پا بگذارد استسفار داريم چندجا روايت آمده

س: و ان جازت دم كرسوفه تعصبت و اغتسلت ثم صلت القضاء بغسل و الظهر و العصر بعسل و المغرب و العشاء بغسل

ج: كرسوف هم يعني پنبه

س: فان لم يجوز الدم الكرسوف صلت بغسل واحد قلت و الحائض قال مثل ذلك الصباح فان انقطع عنه الدم و الا فهي مستحاضه تصنع مثل

ج: نفساء داريم نفساء هم داريم هردو را نفساء

س: سواء ثم تصلي و لاتدعو الصلاة على حال فان النبي صلى الله عليه و آله قال الصلاة عماد دينكم

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۳۳

جلسه: ۱۳

ج: روشن شد

س: این برای مستحاضه بود بلی

ج: این آخرش، حالا یک دفعه دیگر قلت فالحائض اولاً سؤال خوب دقت کنید اولاً سؤال از نفساء است

س: اول سؤال این است

ج: قال عن حریز عن زراره قال ببینید فقیه آورده، این روایت را یا نه؟ به نظرم می آید همین کافی آورده

س: اولش

ج: ها!

س: النفساء متی تصلی قال تقعد بقدر حیضها و تستظهر فی يوم

ج: ببینید تقعد بقدر حیضها و تستظهر بیوم ظاهراً جواب تمام شده

س: بلی مال نفساء بلی

ج: بعد بخوانید باز دو سه سطر شرح است این عبارت احتمالاً مدرج است حدیث مدرج این است قال وسط نمی آید این احتمالاً

کلام حریز یا زراره است در وسط کلام امام آمده این مراد از مدرج این است بخوانید

س: شیخ طوسی تو تهذیب هست می گوید و اخبارنا شیخ ایده الله تعالی عن احمد ابن محمد عن ابیه عن سعد ابن عبدالله از آن

طریق دیگر نقل کرده

ج: نه فرق نمی کند بر می گردد به ابراهیم ابن هاشم دیگر

س: نه به ابراهیم ابن هاشم بر نمی گردد

ج: به که بر می گردد؟

س: سعد ابن عبدالله عن احمد ابن محمد از طریق حسین ابن سعید

ج: خب این معلوم می شود روایت شاذ هم بوده اصلاً مشکل داشته صدوق دارد این سند را هم چون می خواهم به اصطلاح حالا

دیگر فوائد گفتیم اخبارنا شیخ ایده الله یعنی شیخ مفید عن احمد ابن محمد در این جا مراد پسر ابن الولید است ابن الولید اسمش

محمد ابن حسن است این پسرش احمد ابن محمد است ایشان هم توثیق ندارد لیکن کتابهای پدرش برای شیخ مفید نقل کرده

یعنی اجازه کتابهای آثار پدرش یعنی نه این که

س: ابن الاجلاء است

ج: این هم آقازاده است ما دوتا احمد ابن محمد داریم که هردوشان توثیق ندارند و پدرهایشان هم هردو از اعظام اصحاب اند

هر دو آقازاده اند یکی محمد ابن یحیی عطار که از اجلاء است استاد کلینی یکی هم پسرش که احمد ابن محمد این استاد صدوق

است یکی ابن الولید که از اجلاست پسرش هم باز هم احمد ابن محمد این استاد مفید است، یکی از این آقازاده ها استاد صدوق

است یکی از این آقازاده هم استاد مفید است این احمد ابن محمد مرادش پسر ابن الولید است این هم توضیح داده بشود توثیق

خاص ندارد جز همین آقازادگی و مثلاً کتابهای پدرش و آثار پدرش

س: توی چیز هم عدۀ من اصحابنا عن احمد ابن محمد است

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۳۴

جلسه: ۱۳

ج: که؟

س: توی کافی هم

ج: آن احمد ابن محمد مراد اشعری است

س: احمد ابن محمد و منتهی این طوری و علی ابن ابراهیم

ج: عن ابیه،

س: و محمد ابن اسماعیل عن الفضل ابن شاذان جمیعاً عن حماد ابن عیسی

س: سه تا طریق دارد؟

ج: سه تا طریق دارد به نظرم کلینی عمداً سه طریق آورده که بفهمد که این شواهد کافی است برای این که حدیث بوده به نظر من

حدیث نبوده با تمام شواهدی که ایشان نقل فرمودند از طریق حسین ابن سعید هم رسیده این چهارتا حالا شیخ صدوق را ببینید در آثار صدوق، خیلی عجیب من به نظرم شیخ کلینی سفت کاری کرده که بخواهد بگوید این حدیث است قطعاً،

س: یا شک داشته

ج: یا، ببینید عن النفساء سؤال نفساء است متی تقعد؟ قال بقدر حیضها تمام شد دیگر دنباله اش چه است؟

س: که حالا

ج: حالا مال صدوق را ببینید پس این الصلاة لاتترك بحال یک، لانها لاتدعو الصلاة علی حال بوده یعنی مستحاضه دو اصلاً معلوم نیست این روایت باشد و لذا هم مناسب است الصلاة عماد دینکم این به کلام امام نمی خورد این تعلیل خیلی روشن، خب نفساء تترك الصلاة آن هم لاتترك، لاتعو الصلاة چون عماد دینکم خب بقیه هم عماد دینکم چه فرق می کند و اصلاً این تعبیر الصلاة عماد دینکم این در حقیقت یک نوع ملاکات است ملاکات تعبدی، ملاکات تعبدی بنا نیست ازش حکم در بیاید ملاک تعبدی مثل شعارهای سیاسی است استقلال و آزادی مثلاً از کلمه آزادی نمی توانیم بگوییم همه انواع آزادی مراد است آنی که جنبه های شعار گونه دارد یا جنبه های ملاکات تعبدی دارد این جنبه استظهار حکم و اطلاق و تقیید و این جور چیز، اطلاق و عموم ندارد، روشن شد

س: بگوییم خیلی فوقانی است

ج: فان الصلاة عماد دینکم این صلاحیت استظهار حکم را ندارد این از ملاکات تعبدی است ملاکات تعبدی صلاحیت استظهار حکم را ندارد که ایشان می خواهد بگوید لاتعو الصلاة لان الصلاة عماد دینکم، فان رسول الله قال اصلاً تعابیر به تعابیر فقهای می خورد،

س: برای اطلاق گیری

ج: پس یک لاتعو الصلاة بها علی حال کلام

س: معصوم نیست

ج: امام نیست و علی تقدیر لاتترك الصلاة بحال نیست

س: مال مستحاضه است بلی

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۳۵

جلسه: ۱۳

ج: لیکن من اعتقادم این است این حدیث مدرج است این جا قال در وسط آن جا را گفتم ویراستاری اشکال ویراستاری دارد اگر ویراستاری می خواستیم بکنیم این قال را برایش شماره نمی زدیم حدیث حساب نمی کردیم این جا به نظر من اشکال ویراستاری نیست اشکال ادراج دارد، این دوتا را ما با همدیگر فرق البته اصحاب بنشان این است که این را هم می گوید مدرج دیگر قال یعنی کلام زراره لیکن من فکر می کنم این را بگذاریم اشکال ویراستاری تنظیم کتاب را درست نکردیم

س: نتیجه اش مدرج می شود

ج: نتیجه اش مدرج قبول کردیم اصحاب ما هم مدرج حساب البته اصحاب فعلاً حدیث گرفتند هردو را حدیث گرفتند،

س: اگر ملتفت می شدند مدرج بود

ج: اگر ملتفت می شدند مدرج بود

س: آن قلت و قال آخر را چه می گیرید؟

ج: آن هم همان طور

س: آن هم مال زراره و حریر

ج: نه اولش بخوانید قال قلت له

س: آخرش هم دوباره یک قلت و قال دارد

ج: بلی بخوانید قلت

س: قلت و الحائض قال کذاک

ج: قال کذاک تمام شد

س: این دوباره مال امام است

ج: این مال است جواب،

س: دوباره توضیح

ج: باز توضیح می دهد

س: سواء فان انقطع

ج: مثل ذلک سواء سواء نه،

س:

۸۱: ۰

ج: ببینید این انقطع کلام راوی است قلت فالحائض گفت حائض من مستحاضه است مثل نفساء است

س: مثل نفساء است

ج: حالا ممکن است آن که در ذیل نفساء است آن هم هنوز کلام امام باشد آن ذیل اما این ذیل حائض معلوم نیست کلام این احتمالاً توضیح زراره است یا توضیح حریر است پس بنابراین راجع به الصلاة لا تترك بحال چون به عنوان نقد متن هم باید بررسی بشود این متن یک ثابت نیست، دو علی تقدیر آن روایت هم بگیریم

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه: ۲۰۲۲/۰۹/۱۸ - ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۳۶

جلسه: ۱۳

س: مربوط به مستحاضه است

ج: مربوط به مستحاضه است و اصولاً به نظر ما آن روایت هم روایت نیست مدرج است و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين.